

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

نویسنده: لونیژ اوشی  
برگردان از: رها اسدزاده  
۰۹ مارچ ۲۰۱۴

## زنان در انقلاب روسیه [۱]

انقلاب روسیه زندگی زنان را دستخوش دگرگونی ساخت و چنان ضربه سختی به تبعیض جنسی وارد آورد که هرگز پیش از آن تجربه نشده بود و پس از آن هم نشد.

دست‌آوردهای زنان در ماه‌های پس از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷: حق سقط جنین، به رسمیت شناختن ازدواج مدنی، حق طلاق بی‌قید و شرط، حق دریافت کمک هزینه اجتماعی برای مادران و کودکان تحت سرپرستی‌شان، به رسمیت شناختن حقوق متولدين خارج از ازدواج‌های رسمی، حق دست‌مزد برابر، مرخصی با حقوق در دوران حاملگی، لغو قیمومیت والدین، همچنین پایه‌گذاری اولین مراکز دولتی آشپزخانه‌های عمومی و لباس‌شویی‌ها و مراقبت از کودکان، نمونه‌هایی است که تا نه دهه پس از آن هم در مناطق دیگر جهان به نحوی کامل به دست نیامده است. اگر چه این پیروزی‌ها بنیان‌برانداز بودند اما تنها قسمتی از ماجرا می‌باشند. در واقع تأثیر مشارکت انبوهی از زنان دوشادوش مردان در نبردی انقلابی علیه تزار و رؤسائی که آن‌ها را به کار در شرایط توصیف‌ناپذیر و می‌داشتند و به پیش‌داوری‌های جنسیتی تشویق می‌کردند چیزی کمتر از انقلاب در دگرگونی آگاهی و موقعیت زنان در جامعه روسیه نبود.

به دست گرفتن کنترل جامعه از سوی طبقه کارگر به ناگزیر به چنان دگرگونی‌های عظیمی در دیدگاه‌ها و رفتارها انجامید که مصداق مدعای لنین بود که انقلابات در واقع جشن‌های سرکوب‌شدگان هستند. زنان کارگر بودند که به علت بی‌اعتنائی به اخطارهای همکاران مرد خود و تعطیل کردن کار و راهپیمائی در طول خیابان پتروگراد و تشویق دیگران به پیوستن به صف آن‌ها وقوع انقلاب فبروری ۱۹۱۷ را سبب شدند.

گزارشی شرح می‌دهد که چگونه آن‌ها به صورت جمعی ابزارها را به زمین گذارده و ماشین‌آلات را به حال خود رها کردند و با تأمل و عامدانه به صورت گروهی از کارخانه‌های به کارخانه‌های دیگر حرکت کردند، زنان با هر آنچه که در دست داشتند و با آن می‌توانستند در دیوار کارخانه را هدف بگیرند (سنگ، گلوله برف) از کارخانه‌های به کارخانه‌های دیگر می‌رفتند و آن‌ها را به اشغال خود در می‌آوردند.

نه تنها اقدامات آن‌ها کاتالیزوری برای پیوستن کارگران دیگر به اعتصاب شد بلکه سرآغازی شد برای تشکیل ساختارهای دمکراتیک به منظور به نبرد فراخواندن رژیم، رؤسا و جنگ؛ یعنی چیزی که ثروت‌مندان آماده قربانی کردن تعداد بیشماری از کارگران و فقیرتر کردن شمار بیشتری بودند. با انقلاب اکتوبر این ساختارها که به نام شوراهای شناخته می‌شوند قادر به براندازی بقایای حاکمیت سرمایه‌داری و تأسیس دولت دموکرات کارگری گردیدند.

به علت وقوع جنگ؛ زنان، میزان قابل توجهی از کارگران روسی را- افزون بر ۴۰ درصد- تشکیل می‌دادند و بنا بر این مشارکت فعال آن‌ها عاملی تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب به شمار می‌آمد. از آنجا که شرکت در شوراها داوطلبانه بود، رواج احترام، برخورد‌های برابر با یکدیگر درون جنبش برای نایل شدن به پیروزی‌ها بسیار مهم بود.

این وضعیت منجر به آن شد که بسیاری از پیش‌داوری‌های جنسی‌جان‌سختی که در دوران پیش از انقلاب به عنوان امری مسلم پذیرفته شده بودند زیر سؤال بروند. این دیدگاه که زنان بنا بر سرشت خود به قلمرو خانه و پرورش فرزندان تعلق دارند یا آن‌ها باید از اقتدار مردان فرمان‌بری کنند همچون چیزی مخالف با منافع کارگران قلمداد شد. یک زن فرمانده بلشویک این تأثیر را در طی ملاقاتی با جوانان انقلابی مشاهده کرد. او گزارش داد: «یکی از مواردی که همه باید آن را فرا بگیرند دوختن است. سپس یک رفیق جوان بلشویک پرسید: «که چرا همه باید دوختن را بیاموزند؟؟ مسلماً دخترها باید قادر به دوختن باشند چرا که در آینده قادر به دوختن دکمه شلوار همسرانشان نخواهند بود، پس چرا همه یاد بگیریم؟»

«این کلمات موجی از رنجش به پا کرد، نه تنها دختران بلکه همه حاضران رنجش خود را با بالا و پائین جهیدن از نیمکت‌هایشان بروز دادند.» منظورت چیست که زن‌ها باید دکمه شلوارها را بدوزند؟؟ آیا منظورت ابقاء و حمایت از بردگی زنان است؟؟ زن، رفیق مرد است نه خدمتگزار او!! جوانی که ادعا کرده بود که تنها زنان دوختن را باید بیاموزند مجبور به عقب‌نشینی شد.»

بلشویک‌ها متعهدترین نیروی سیاسی در جهت به دست گرفتن قدرت کارگران در سال ۱۹۱۷ بودند. آن‌ها همچنین ارگانی بودند که بیشترین تلاش خود را معطوف به سازماندهی زنان کارگر کردند. آن‌ها در میان دو بخش از تحتانی‌ترین لایه‌های زنان، زنان رختشوی و همسران سربازان دست به سازماندهی زدند و به انتشار جزوه‌ها و ادبیات دیگری که موضوع آن‌ها بررسی وضعیت خاص زنان کارگر بود مبادرت ورزیدند. بلشویک‌ها به پیوندی که بین سرنوشت قدرت کارگران و رهائی زنان وجود دارد آگاهی داشتند.

زنان در خیزش انقلاب اکتوبر شرکت کردند، به گارد سرخ ملحق شدند و در یورش به کاخ زمستانی شرکت داشتند. یک کارگر بلشویک -تراموا الکساندرا- عهده‌دار هماهنگی تراموا در پتروگراد در طول قیام شد. او از تأثیرات عمیقی که انقلاب بر روی او و سایرین داشته صحبت کرده است: «آن زندگی رایج و هر روزه در آستانه فروریختن بود و من از ویرانی آن به وجد آمده بودم.»

سرانجام دستاوردهای انقلاب از بین رفت. ضد انقلاب ستالین تمام بقایای قدرت کارگران و به همراه آن‌ها دستاوردهای کسب شده برای زنان را از بین برد. اما این نه به معنای نفی دستاوردهای انقلاب کارگری ۱۹۱۷ و نه آن بصیرتی است که درباره قابلیت‌های انقلاب پرولتری برای مواجهه با تمام شکل‌های نابرابری اجتماعی به ما آرزای کردند.

رایج‌ترین بررسی‌ها در مورد انقلاب، گرایش به نادیده گرفتن و کم اهمیت جلوه دادن نقش توده کارگر به خصوص زنان کارگر دارد. قصد این‌گونه بررسی‌های تاریخی معمولاً بی‌اعتبارسازی سیاست رادیکال و کنش تودمئی و تشویق به تسلیم در برابر وضعیت موجود می‌باشد. اما رویدادهای انقلاب ۱۹۱۷ ثابت کرد که بدیل دیگری در برابر سرمایه‌داری موجود است.

آن‌ها شیوه به میدان آمدن ستم‌دیدگان و کمک به شکل دادن به جامعه در طول نبردهای انقلابی، چگونه به نبرد فراخواندن پیش‌داوری‌های جنسیتی در مقیاس تودمئی، چگونه ضربه وارد کردن به قلب و تمام سطوح و اشکال ستم و فرودستی از سوی طبقه کارگر را نشان می‌دهند. درک این نکته برای همه کسانی که به رهائی زنان متعهد هستند ضرورت دارد.

[۱] این مقاله ترجمه‌ای است از:

Women in the Russian Revolution

Louise O'Shea | 12-Feb-2014

**یادداشت:**

واضح است که درک ما از روند آزادی و برابری زن در شوروی گذشته، به خصوص در قسمت نفی نقش مثبت و سازنده ستالین در آن زمینه با درک نویسنده این مطلب یکی نیست.

اداره پورتال AA-AA